

جامشوش، جامی پراز رمز و راز

فرانک کبیری^{*}، بهاره براتی^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

^۲ عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۲)

چکیده

یکی از راههای دستیابی به فرهنگ و دانش بشری، مطالعه‌ی هنر تمدن‌های گوناگون است. در شناخت تمدن ایران نیز، شوش از اهمیت والایی برخوردار است و سفالینه‌های منقوش آن، بر تارک موزه‌های جهان می‌درخشند. این مقاله سعی دارد به شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی و تاریخی، علل توجه جهانیان به این سفالینه‌ها، به ویژه جامشوش را بررسی کند. اولین موردی که احساس لذت را در بیننده ایجاد می‌کند، زیبایی ظاهری است که از طریق: چشم‌نوازی نقوش و هماهنگی آنها با یکدیگر و نیز با شکل ظرف، وجود تنشیات منطقی، تقسیم‌بندی‌های دقیق، رعایت سواد و بیاض و طراحی منحصر به‌فرد، ایجاد می‌شود. این مساله با محاسبه‌ی اندازه‌های اشیاء و بدست آوردن تنشیات، پیگیری؛ و ملاحظه شد که اعداد بدست آمده به عدد طلایی نزدیک هستند. عامل دیگر، داشتن بار معنایی هر نقش است که به عنوان نمادی خاص به کار رفته و ضمن ارتباط با دیگر نقوش، در پی دستیابی به هدفی خاص با تکیه بر باورها، اعتقادات و تمایلات انسان پیشین می‌باشد. دلایل مطرح شده برای برتری شاهکار سفالین جهان، با بررسی تطبیقی این نمونه، با سفالینه‌های تمدن‌های هم‌عصر با تمدن ایران و سفالینه‌های مناطق هم‌دوره با منطقه‌ی شوش به اثبات می‌رسد و نبوغ ایرانیان را در خلق آثار هنری و بیان رمزگونه‌ی خواسته‌های ایشان به نمایش می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی

جامشوش، تنشیات، سفال، نقوش، بزرگواری.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۳۳۸۱۲۷۹۶، نمبر: ۰۳۸۱-۲۲۶۰۴۲۱ .E-mail: fkabiri57@gmail.com

مقدمه

است و شوش به عنوان "اولین خاستگاه سفال پیش از تاریخ ایران" (همان، ۲۲) از قدمت زیادی برخوردار است، بررسی در این زمینه ضروری می‌نماید. در میان آثار سفالی شوش، آبخوری‌ها از اهمیت والایی برخوردارند و "از میان همه‌ی اشیاء سفالی منقوش خاور نزدیک باستان، [ساغر بزرگی که نقش بزکوهی با شاخ‌های هلالی شکل اغراق‌آمیز دارد؛] موفق‌ترین آنهاست" (همان‌جا) و در جهان به شاخصی از سفال شوش تبدیل شده است.

در این مقاله کوشش شده پس از آشنایی با سفال شوش و آبخوری‌های ساخته شده در این منطقه، تنسابات آنها مورد بررسی قرار گیرند. سپس ویژگی‌های شیوه‌ی طراحی این آبخوری‌ها در مقایسه با سایر تمدن‌های هم‌عصر شوش بیان شده است. پس از آن نقش موجود بر روی آبخوری‌های شوش که شامل نقش جانوری، گیاهی و هندسی می‌باشد؛ شناسایی و مورد تحلیل واقع شده‌اند. در همین قسمت چون تأکید بر نقش حیوانی بز روی آبخوری شوش بوده است؛ این نقش به‌طور طبیقی با نقش این حیوان در سفالینه‌های هم‌دوره باسفالینه‌های شوش در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. در پایان نیز پس از بررسی نظام‌های صوری، عقلانی و زیبایی شناختی، نتیجه‌ی حاصل از بررسی‌ها ارایه می‌گردد.

پس از کشف خاصیت تبدیل شدن گل به سفال؛ به لحاظ خاصیت شکل‌پذیری، دوام منطقی، در دسترس بودن ماده‌ی اولیه و همچنین سهولت خلق آثار و پخت آنها؛ این ماده به سرعت جایگزین مواد دیگری چون سنگ، پوست و ... شد که در تولید ابزار و آثار به کار می‌رفت. قدمت سفالگری در ایران بسیار زیاد است و به "دوران نوسنگی" (پرداز، ۱۳۸۲، ۱۱) می‌رسد. پس از موقوفیت در ساخت سفال، زیباسازی آنها مدنظر قرار گرفت. این کار از طریق فرم، نقش و رنگ صورت پذیرفت. هنرمند سفالگر با فشار دادن و خش انداختن روی گل و یا به وسیله‌ی نقاشی کردن با رنگ‌های طبیعی، توانست بر روی آثار نقش ایجاد کند. گاهی نیز برای به دست آوردن رنگ‌های مختلف بدنه، تغییر در زمان پخت ایجاد کرد یا خاک‌های مختلف را به کار گرفت. روند زیباسازی آثار و به کارگیری نقش تا جایی پیش رفت که علاوه بر بازنمایی اشیاء و طبیعت پیرامون هنرمند، به محملی برای بیان اندیشه‌های وی نیز تبدیل شد. به گونه‌ای که باعث تمایز بین سبک‌های گوناگون مناطق سفالگری تمدن ایران شد. با توجه به موارد مذکور، بدیهی به نظر می‌رسد که برای مدتی نزدیک به دو هزار سال، سفالگری و منقوش کردن آثار، یکی از فعالیت‌های اصلی هنر مردم ایران شود.

بنابراین از آن جایی که ایران از پیشگامان سفالگری در جهان

سفال شوش

"چوپانی و روستایی‌اند که نظر به سوی دشت خوزستان و کوه‌های ورای آن معطوف می‌داشته‌اند. پرندگان آبی دراز گردن که تا زانو در شوره آب نهری باریک ایستاده، و پرندگانی هم در حال پرواز، نقش حاشیه‌ای ظریف بر جام سفالین بلند بالایی را به وجود می‌آورند و نیز سکه‌های تازی با قلاوه و تسمه و بزهای کوهی با شاخ‌های بیرون رسته تا حد دو نیم‌دایره تمام یا دو حلزونی فراخ و هیبت‌انگیز، موضع گرفته روی تخته سنگ برآهنگ مقابله با هر که گام پیش گذارد" (فریه، ۱۳۷۴، ۹).

ویژگی‌های کلی آبخوری‌های شوش

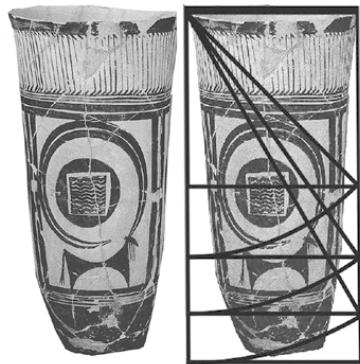
ویژگی کلی سفال‌های این دوره بدین شرح است: ۱- از نظر هنری بسیار در خور توجه است. ۲- از خاک رس نرم و خالص تشکیل شده است. ۳- دارای اشکالی منظم است. ۴- بدنه‌های صیقلی، استفاده از چرخ را اثبات می‌کند. ۵- نقش قبل از پخت روی گل رس خشک و بدون لعابه ترسیم شده‌اند. ۶- رنگ نقش

شوش با قدمت هفت هزار ساله‌اش، گهواره‌ی قسمت مهمی از تاریخ فرهنگ و هنر ایران است. "کمی قبل از هزاره‌ی چهارم دگرگونی مهمی در این منطقه روی داد. شوش که در آن موقع در حاشیه‌ی رود کوچکی به نام شاور بنا شده بود، با حفظ سنت‌های کهن تمدن نوسنگی که به تدریج تغییر یافته بود حاکم‌نشین ناحیه گردید. در نتیجه‌ی این تحول مردم شوش ثروتمند شدند و به برق‌کردن معابد و توسعه‌ی شهر خود پرداختند. در این دوره مزیت ظروف سفالین، تزیین نقش دار آنها بوده است" (رفیعی، ۱۳۷۸، ۱۱۹-۱۲۰).

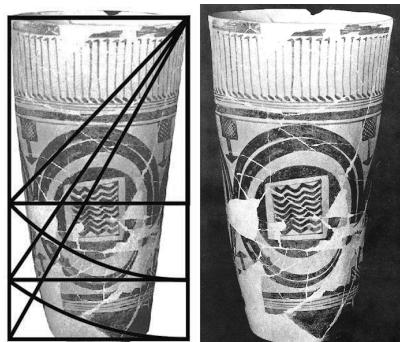
سفال‌های به دست آمده از شوش به دو بخش متفاوت قابل تقسیم‌اند؛ سفالینه‌هایی که به شوش ۱ تعلق دارند و سفالینه‌های مربوط به شوش ۲. "سفالینه‌های شوش ۱ را می‌توان از لحاظ فرم به ۴ گروه تقسیم نمود: ۱- کاسه یا قدح ۲- آبخوری ۳- دیگ یا دیزی ۴- ظروف کروی" (همان). که هر کدام از انواع ظروف فوق شاهکاری است در نوع خود بی‌نظیر و جام مورد بحث، در این دسته جای می‌گیرد. نگاره‌های عالی ترین سفالینه‌ها از نظر فریه

فیزیکی فضایی همه مطلق هستند، لیکن انگاره‌هی آنها و تصور اندازه‌ها و معیارهایشان نسبی می‌باشند" (آیت‌اللهی، ۱۳۸۸، ۱۸۱). بیش از دو هزار سال است که جستارهایی در جهت برقرار ساختن قوانین "تناسب کامل" به عمل آمده است، قوانینی که بتوانند اندازه‌ها و فاصله‌های خاطرناز را در آثار هنری تضمین کنند. ماندگارترین آنها همان است که "تناسب طلایی" یا "مقطع طلایی" عنوان یافته است. این تناسب، خطی مستقیم یا شکل چهارگوش منتظمی را به دو بخش تقسیم می‌کند، بر این اساس که نسبت بخش کوچکتر به بخش بزرگتر، همانند نسبت بخش بزرگتر به تمامی آن خط یا آن چهارگوش باشد" (فلدمان، ۱۳۷۸، ۲۸۳). تناسب طلایی از زمان اعلای هنر یونان باستان مد نظر بوده است، حال آن‌که در آبخوری‌های شوش نیز می‌توان به جستجوی این نسبت‌ها پرداخت.

در اینجا طرح‌های اصلی را همراه با تناسبات ترسیم شده ملاحظه می‌فرمایید.



تصویر ۱- جام‌سفالین بلند، از خمیر نخودی رنگ، با کلابه نخودی، دارای نقش مشهور بز کوهی با شاخه‌های ساده شده، دوره اول، م.ق. ۳۵۰۰. ارتفاع: ۲۴ سانتی متر، قطردهنه: ۱۲/۵ سانتی متر، نسبت: ۱/۹۲. موزه لوور



تصویر ۲- ليوان، سفال منقوش شوش، دوره اول، م.ق. ۳۵۰۰. ارتفاع: ۲۴ سانتی متر، قطردهنه: ۱۳/۷۰ سانتی متر، نسبت: ۱/۷۵۱. موزه علمی بافالو. مأخذ: (پوپ، ۱۳۸۰، ۲۰۰)

سیاه مایل به سبز روی زمینه‌ی سفید مایل به زرد است. ۷- نقوش هندسی شامل خطوط شکسته، منحنی، موجدار، جناقی، صلیب شکسته [چلپا]، مثلث، لوزی و دایره است. ۸- نقش حیوانات اغلب از مارها، ماهی‌ها، لکلک‌ها، مرغ‌های آبزی گردن بلند و با پاهای بلند، بز کوهی و سگ‌ها تشکیل شده است صنعتگران در ساده‌کردن اشکال حیوانات بسیار هوشمندانه عمل کرده‌اند، به طوری که خطوط نقاشی را تنها با علامات مشخص، با حذف قسمت‌های مخصوصی از اندام، ترسیم کرده‌اند. در هیچ منطقه‌ای از ایران نقش حیوانات با این مهارت ترسیم شده است. ۹- نقش گیاهی ساده شده و با اسلوب خاص ترسیم شده است" (رفیعی، ۱۳۷۷، ۱۴۴).

تاكيد اين مقاله بيشرت بر روی آن نمونه‌اي است که به عنوان شخص سفال شوش معرفی می‌شود و "ساغری است بزرگ با نقش بزهای کوهی (تصویر ۴). از میان همه‌ی اشیاء سفالی منقوش خاور نزدیک باستان، سفالی که در اینجا [موربد بررسی] واقع می‌شود [در موزه‌ی لوور جای دارد، موفق‌ترین آنها است. طرح این سفال شامل سه کتیبه است. نقش اصلی در هر یک از آنها یک بز کوهی است. بدین این جانور به وسیله‌ی دو مثلث مربوط به هم با اضلاع منحنی تشکیل شده است. انحنای پشت جانور ادامه‌ی حرکت زیبای منحنی شاخ‌ها است که یک شیء غیر قابل تشخیص را در پرگرفته است. این شیء با ردیف مرکزی جناق‌های القا کننده‌ی یک شاخه‌ی گیاه و در اطراف، با قسمت‌های هاشور متقاطع نشان داده شده است. شاید این نقش یک موتیف پرکننده برای یک جای خالی باشد و در عین حال، ممکن است طرح گیاهان و مرغزار خلاصه شده را نشان بدهد. کتیبه‌ای که بز را در بر دارد به طرف ته ظرف کمی باریک‌تر می‌شود و به این ترتیب شکل ظرف را تاكيد می‌کند. تاكيد در دایره‌ی محیط ساغر به وسیله‌ی یک ردیف از سگ‌های شبیه‌ی تازی با بدنهای کشیده که در حال دویدن هستند و نیز با نوارهای تیره‌ای که ردیف حیوانات را محدود می‌کنند، ارایه شده است. قسمت بالای ظرف از پرندگانی تشکیل یافته است که گردن‌های بلند و کشیده‌ای دارند. به عکس ته ظرف که در آن برای القاء استحکام نوار کلفتی از رنگ تیره به کار رفته است، این پرندگان طرح بسیار مسبکی را می‌آفرینند. شرح کوتاه ما تنها می‌تواند عوامل طرح را بشمارد، اما به اندازه‌ی کافی قادر نیست احساس شکری را که در این ظرف برای تعادل یکیک اجزا به وسیله‌ی تزیین بیان شده است با کلمات بیان کند". (پرداز، ۱۳۸۲، ۲۲)

بررسی تناسبات در آبخوری‌های بدست آمدۀ از شوش

تناسب، بر روابط اندازه‌های اجزاء با یکدیگر و با کل اثر دلالت می‌کند. اندازه یا مقیاس در ذات خود هیچ‌گونه معنای تناسبی ندارد، بلکه هر شکل یا هر قسمت در ارتباط با اشکال یا قسمت‌های دیگر باید در نظر گرفته شود تا تناسب خود را آشکار کند. "اندازه‌زنی و اندازه‌گیری یکی از راههای شناخت و درک اشیاست؛ زیرا ابعاد



تصویر ۴- لیوان، سفال منقوش شوش، دوره‌ی اول، ۳۵۰ ق.م.
ارتفاع: ۲۹ سانتی متر، قطر دهانه: ۱۶/۰۴ سانتی متر، نسبت: ۱/۷
موزه لوور



تصویر ۳- لیوان، سفال منقوش شوش، دوره‌ی اول، ۳۵۰ ق.م.
ارتفاع: ۲۹/۵ سانتی متر، قطر دهانه: ۱۶/۳۸ سانتی متر، نسبت: ۱/۸۰
موزه لوور

جدول ۱- بررسی تناسبات در آبخوری‌های شوش.

طرح	نسبت ارتفاع قسمت مرکزی به قطر دهانه	ارتفاع نقش اصلی (cm)	اندازه‌ها		شماره
			قطر (cm)	ارتفاع (cm)	
	۱/۹۲	۱۲/۶۰	۱۲/۵	۲۴	۱
	۱/۷۵۱	۱۲/۵	۱۳/۷۰	۲۴	۲
	۱/۸	۲۲/۴	۱۶/۳۸	۲۹/۵	۳
	۱/۷	۱۳/۲۳	۱۶/۰۴	۲۹	۴

۲- بررسی نقوش موجود بر روی آبخوری‌های شوش

بررسی نقوش موجود بر روی آبخوری‌های شوش، که یکی از مجموعه‌های این منطقه هستند و جام شوش که زیباترین آنهاست، از اهمیت بنیادین برخوردار می‌باشد. در این راستا پرداختن به این نقوش اعم از: (الف) نقوش هندسی (ب) نقوش گیاهی و (ج) نقوش جانوری که علاوه بر نمایش نبوغ و هنر ایرانیان، بیانگر تفکرات و باورهای آنان نیز می‌باشند، ضروری می‌نماید.

(الف) نقوش هندسی

به جز خطوط افقی، عمودی و متقطع که به صورت ساده و موج‌دار روی اغلب ظروف عهد باستان دیده می‌شود و هر کدام معانی خاصی دارند؛ "هنرمندان به سبب تجربه‌ای که به مرور ایام به دست آورده بودند با درهم آمیختن خطوط به ایجاد اشکال هندسی بسیار زیبایی چون مثلث، مربع و دائیره موفق شده‌اند" (برزین، ۱۳۵۶). در سفالینه‌های موردنظر در این نقش‌های دایره و مربع در میان شاخهای بزرگ خود به فرم دایره در آمده است بسیار زیبا و پر معنا از این شده است. نقش دایره و مربع هر کدام به تنها یک معانی را در بردارند اما ترکیب بین نهایت زیبای آنها بی‌گمان پر رمز و رازتر می‌باشد (تصاویر ۱، ۲ و ۴).



تصویر ۷- سفال منقوش هند (موهنجودارو)، هزاره سوم ق.م. مأخذ: (حات، ۱۳۸۵) (۱۰۹، ۱۰۰).



تصویر ۶: سفال مصر (از Naqada) تزیینات هندسی و جانوری شامل: نقش گوسفندان صحرابی و بزغاله‌های آفریقایی.
ماخذ: (www.egyptarchive.co.uk) ارتفاع: ۳۰۰۰-۳۳۰۰ ق.م.



تصویر ۵- سفال مصر، ۴۰۰۰-۴۵۰۰ ق.م. تزیینات هندسی و جانوری شامل: نقش گوسفندان صحرابی و بزغاله‌های آفریقایی.
ارتفاع: ۲۵/۳ سانتی متر، موزه اشمولین.
ماخذ: (pottier,2004/2,285)

جدول ۲- بررسی تطبیقی سفال شوش با برخی سفالینه‌های هم عصر خود در سایر تمدن‌ها.

شماره تصویر	ماکان ساخت	ارتفاع (cm)	نقش	زمان ساخت	محل نگهداری
۴	ایران (شوش)	۲۹	هندسی، جانوری (بز، پرنده، تازی)	۳۵۰۰ ق.م.	موзе لورو
۵	مصر	۲۵/۳	هندسی، جانوری (گوسفندان صحرابی و بزغاله‌های آفریقایی)	۴۰۰۰-۴۵۰۰ ق.م.	موзе اشمولین
۶	مصر (ناکادا)	۲۹	هندسی، جانوری، انسانی	۳۰۰۰-۳۵۰۰ ق.م.	-
۸	هند (موهنجودارو)	-	جانوری	۳۰۰۰ ق.م.	-

بررسی نقوش به کار رفته در آبخوری‌های شوش

۱- بررسی ویژگی‌های شیوه‌ی طراحی

نوع نقوش به کار رفته در آبخوری‌های شوش در مقایسه با سفال دیگر تمدن‌های هم دوره‌ی خویش (۴۰۰۰-۴۵۰۰ پیش از میلاد) نیز قابل توجه است. همان‌گونه که در تصویر ۵، دیده می‌شود نقوش به کار رفته در سفال مصر در بین نقوش زیگزاگی بالا و پایین ظرف محصور شده‌اند. البته این سفالینه ممکن است از لحاظ زمانی قبل از سفالینه‌های شوش باشد، ولی در سفالی دیگر از مصر که در تصویر ۶ پیداست علیرغم اینکه نقوش حیوانی تجریدی‌تر شده و نقوش هندسی نیز سطح بیشتری از سفال را در بر می‌گیرند، اما باز هم از تقسیمات منظم آبخوری‌های شوش که در تصویر ۴ دیده می‌شود خبری نیست. همین مساله را می‌توان در سفال‌های هندی نیز مشاهده نمود. خصوصاً همان طور که در تصویر ۷ دیده می‌شود، شیوه‌ی طراحی نقوش در سفالینه‌های شوش بسیار متفاوت است. در آبخوری شوش، هماهنگی شکل حیوانات با فرم لیوان بر زیبایی و ارزش بصری ظرف افزوده است.

ب) نقوش گیاهی

نقش خوشی گندم بارها در سفالینه‌های عهد باستان دیده شده، که نشان از قداست و اهمیت این گیاه در زندگی بشر دارد. حتی گندم آنچه با این نعمت الهی تهیه می‌شود - از جمله نان - از حرمت خاصی برخوردار است. در سفالینه جام شوش این نقش یک بار درون فرم دایره که خود بوسیله شاخه‌ای بز محصور شده است؛ قرار دارد و بار دیگر نقش دم را برای بز ایفا می‌کند. غلامعلی حاتم ارتباط بزکوهی و این گیاه را چنین مطرح می‌کند: "بزکوهی نیاز به گیاه دارد و کوه [و زمین] منبع رستنی‌ها و ماه نگهدار آن است هر جا که بزکوهی با آن چابکی خاص خود دیده شود نشان از آب و گیاه می‌دهد. بزکوهی مظهر فراوانی و رب النوع روییدنی‌ها و در شاخ آن قدرت جادویی پنهان بود" (حاتم، ۱۲۷۴، ۳۶۵).

ج) نقوش جانوری

در بررسی نقوش سفالینه‌های شوش آنچه بیش از همه نظرها را به سوی خود جلب می‌کند، نقش حیواناتی است که در ردیف‌هایی تکرار شده‌اند. در مورد این حیوانات داستان‌های اساطیری زیادی وجود دارد. یونگ علت این موضوع را، اهمیت فراوان آنها می‌داند. وی در کتاب انسان و سمبول‌هایش می‌نویسد: "تعداد زیادی از اساطیر به حیوان اولیه مربوطند که باید به‌خاطر باروری و حتی خلقت فدا شوند ... در مذاهب و هنرهای مذهبی تقریباً تمام نژادها به خدایان عالی مقام نسبت داده شده‌اند؛ یا خدایان به صورت حیوانات مجسم گشته‌اند. بابلیان قدیم خدایان خود را در آسمان‌ها به صورت قوچ، گاو نر، خرچنگ، شیر، عقاب، ماهی و عالم منطقه‌البروج مجسم کردند" (یونگ، ۱۲۵۲، ۳۷۵).

با توجه به آنچه گفته شد اهم دلایل به تصویر کشیدن نقوش حیوانات بر روی سفالینه‌های دوره‌ی باستان را باید وابسته به عوامل مذهبی و آیینی دانست که با توجه به این موضوع، بعضی از حیوانات از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند. به عنوان مثال نقش بز و پرندگان بارها در طوف سفالین عهد باستان به‌پشم می‌خورد. این نقوش قبل از سفال، صخره‌ها و سنگ‌هارا زینت بخشیده‌اند. جانوری که در جام شوش از اهمیت بیشتری برخوردار است، "بز" می‌باشد. آرتور پوب بزکوهی و جانوران شاخ دار را دارای نیروهای جاودانه‌ای می‌داند و می‌گوید به احتمال قوی، در آغاز، میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بوده است (پوب، ۱۵، ۱۲۸۰). سیف‌الله کامبخش فرد نیز این مساله را چنین بیان می‌کند: جانوران شاخ دار مانند بزکوهی و گوزن نیز نماد ماه و زمین بودند ... (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰، ۵۱). شاید بتوان گفت، همان‌گونه که نخل، سمبول بین‌النهرین - همسایه شوش - است؛ بز نیز شاید سمبول و نشانه‌ی سرزمین ایران باشد.

غلامعلی حاتم شاخ قوچ را نیز مظهر باروری و حاصلخیزی معرفی می‌کند و در ادامه می‌نویسد "... حاصلخیزی یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر یعنی نیاز به آب و باران و حاصلخیزی زمین و رویش گیاهان تا بدانجاست که محتوای اصلی نقوش

الف-۱) مربع یا چهارگوش

این فرم که در سفالینه‌های شوش، گاه به صورت مربع و گاه به صورت مستطیل به تصویر کشیده می‌شود؛ زمانی امواج آب و یا خطوط منكسر نمادین زمین مزروعی، و زمانی سنبله‌ی گندم را محصور می‌کند. "شاید این فرم کنایه‌ای از چهارگوشی عالم و یا اشاره‌ای به چهار جهت اصلی باشد. مربع با عدد چهار در ارتباط است که این عدد از تقدس و اهمیت دینی-کیهانی برخوردار است" (کوپر، ۱۳۷۹، ۲۴۴).

الف-۲) دایره

کوپر در مورد دایره چنین می‌نویسد: "نمادی جهانی و مقدس، و همواره به عنوان نشانگر مرکزیت نشان داده شده است. تمامیت و تقارن، کمال اولیه و گردی طبیعی ترین شکل محسوب می‌شود. از این رو مقدس است" (همان، ۱۴۶). شکل دایره از نظر یونگ، "نمودار یکی از مهم‌ترین جهات زندگی یعنی وحدت و کلیت و شکفتگی و کمال است. حلقه، گوی (کره)، گردونه و دایره نماد نهادینه است و بیانگر تمامیت با تمام جنبه‌ها یعنی از جمله رابطه‌ی میان انسان و طبیعت، خواه این نماد در پرستش خورشید نزد مردمان بدوعی باشد یا در اسطوره و در میان ادیان باشد" (یونگ، ۱۳۵۶، ۲۹۲). در آبخوری‌های شوش نوعی حرکت و وحدت توسط دایره و منحنی‌ها برقرار است.

در هنر ایران دایره به صورت حلقة‌نیز نمود پیدا می‌کند و همان خصوصیات نمادگرایی دایره را دارا می‌باشد. "حلقه در ایران باستان تجلی فریا فره است. فریکی از نمادهای تعالی است و آن به واسطه‌ی دایره‌ای است که مرکز ثقل آن را در برگرفته است که نمایانگر تمامیت، وحدت و ابدیت است (رحمی رهیان، ۱۲۸۳، ۶۱ و ۶۲).

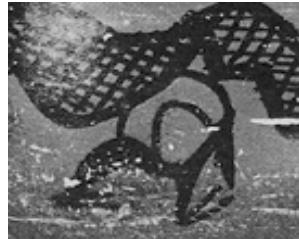
الف-۳) نقش هندسی محصور در شاخ‌های بز

"انسان عهد باستان نقش دایره را نشان و سمبولی برای تجلی صفات و گوهر عالم و تمامیت و کمال و ازلیت آن برمی‌گزیند." (بلخاری، ۱۲۸۳) و فرم چهارگوش خبر از محدودیت و حصر عالم در عناصر چهارگانه می‌دهد. در این دایره خوش‌های گندم قرارگرفته تا بار دیگر هنرمند صنعتگر شوش سفالینه را به محملي برای بیان مهم‌ترین دغدغه‌ی ذهنی اش (زايش و رویش و برکت) تبدیل سازد. وی این بار آسمان را در مقابل زمین قرار می‌دهد. "زمین از نظر نمادین مقابله‌ی آسمان است و به عنوان اصل منفصل در برابر اصل فعل، وجه مؤنث در برابر وجه مذکور هستی، مانند تاریکی در مقابل نور... قرار می‌گیرد" (شاکری راد، ۱۴، ۱۳۸۳).

در این نقش، چهارگوش تبدیل به چهاربیست برای قرارگیری دایره می‌گردد و همچون معبد، آنچه را که مقدس است در بر می‌گیرد و شاخ بز (ماه) وظیفه‌ی مادرانه‌ی خویش را به کمال می‌رساند و آن را در آغوش گرفته و حمایت می‌کند.

متفاوت می باشند. پرهیز از نمایش طبیعت و واقعیت، جهت نیل به معانی خاص، هر تمدنی را به سوی شگردهای تصویری خاصی رهنمون می سازد.

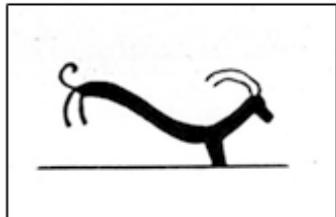
پرندگان دسته‌ی مهم دیگر جانوران نقش شده بر روی جام شوش هستند.



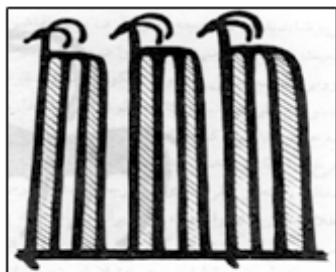
تصویر ۹- جام سفالین از خیر قمرن
رنگداری نقش‌هندسی و بزهای کوهی ساده‌شده به‌رنگ سیاه‌روی گلابی‌قرمز ری (چشم‌علی) ۳۳۰۰-ق.م.. موزه‌ی ملی ایران.
ماخذ: (رفیعی، ۱۳۷۷، ۱۹۲)



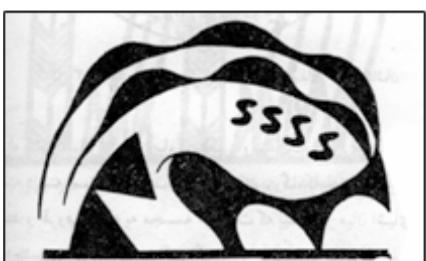
تصویر ۱۰- نقش بز کوهی ساده‌شده با گردنهای دراز به‌رنگ سیاه‌روی زمینه‌ی خودی مایل به سبز، تپه‌حصار، ۳۵۰۰-ق.م.. موزه‌ی ملی ایران.
ماخذ: (همان، ۱۹۵)



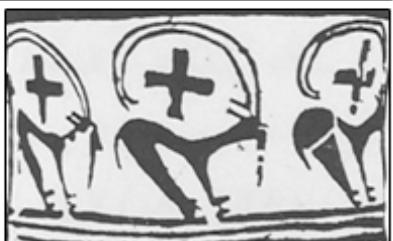
تصویر ۱۱- نقش بز کوهی از تپه گیان، متعلق به نیمه‌اول هزاره سوم ق.م.
ماخذ: (پرهام، ۱۳۷۱، ۳۶۱)



تصویر ۱۲- نقش بز با دست و پاهای کشیده، اسماعیل آباد، هزاره چهارم ق.م.
ماخذ: (حاتم، ۱۳۸۱، ۱۴۴)



تصویر ۱۳- نقش بز با شاخهای مواج بر ظرف سفالین، تخت جمشید، هزاره چهارم ق.م.
ماخذ: (همان، ۱۴۸)



تصویر ۱۴- نقش بز کوهی و چلپا بر ظرف سفالین شوش، نیمه‌دوم هزاره چهارم ق.م.
ماخذ: (همان، ۳۲)

سفالینه‌های شوش را برکت تشکیل می‌دهد" (حاتم، ۱۳۷۴، ۳۶۵). شاید در دوران نخستین اسلامی که نقش حیوانات و موجودات خیالی در فرهنگ تصویری ایران کمرنگ‌تر می‌گردد، کلمه‌ی برکت که معمولاً به خط کوفی نگاشته می‌شود، جایگزین مناسبی برای این معنا بوده باشد. اهمیت برکت را، حتی در ظروف دیگر تمدن‌هایی چون مارلیک، حسنلو و ... نیز می‌توان مشاهده نمود. وجود حیواناتی همچون گاو، سمل و نشانه‌ای برای این موضوع در زندگی بشر در تمام دوره‌های حیاتش می‌باشد.

علت استفاده از حیواناتی چون: بز کوهی، پرندگان، شیر، گاو و ... متناسب با نیاز انسان در دوره‌ی باستان بود. چرا که او متوجه شده بود، اگر سیارات طوری در آسمان قرار گیرند که مجموعه‌ای از آنها شبیه به یکی از حیوانات باشد، موقعیت جوی خاصی پیدید خواهد آمد. ریزش باران در فصول خاصی اتفاق می‌افتد که صورت فلکی بز و پرندگان در آسمان دیده می‌شود. همان چیزی که در جام شوش یکجا دیده می‌شود. کواكب جدی که خواجه نصیرالدین طوسی به توضیح آن می‌پردازد شکل بز نشسته‌ای دارد که از لحاظ شرایط جوی، همزمان با شروع فصل باران می‌باشد (طوسی، ۱۳۷۴، ۱۸۷).

درباره نقش ماه نیز بیشتر اشاره شد که با شاخهای هلالی بز در ارتباط است و خود در جزر و مد دریاها و ریزش باران موثر است. اخوان صفار در مورد ماه می‌گوید: "بعد از خورشید اصل دوم جهانی است، پس از شمس بیش از همه‌ی سیارات در حوادث کنونی و فساد موثر است. خصوصاً در رسیدن میوه‌ها و رشد و نمو نباتاتی که میوه دارند و بوجود آمدن قارچ و تولید بعضی از مواد معدنی مانند سنگ نمک و تکوین و رشد و نمو بعضی حیوانات مانند طیور. وی همچنین معتقد است که عمر حیوانات در این عالم به منازل قمر بستگی دارد" (نصر، ۱۳۷۷، ۱۲۵). بی‌گمان نقش هندسی به کار رفته در جام بی‌ارتباط با این مضامین نیستند.

در این قسمت مقایسه‌ای تصویری نیز بین نقش بز در سفالینه‌های ایرانی هم‌عصر سفال شوش صورت پذیرفته است.



تصویر ۸- نقش روی سنج نگاره‌ها به عنوان الکو برای سفالینه‌ها بوده است. کوههای سرکوبه، خین، هزاره پنجم ق.م.
ماخذ: (www.persianpet.org)

نباید فراموش کرد که هر قوم باستانی، بز را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می‌دانسته است. مثلاً در لورستان؛ بز، حیوان خورشید و وابسته به خورشید و گاهی نیز مظہری از فرشته‌ی باران بود. زیرا از زمان‌های کهن، ماه با باران، و خورشید با خشکی و گرما رابطه داشته است (حاتم، ۱۳۷۴، ۳۶۴). بنابر تفاوت در کارکردها، نحوه‌ی به تصویر کشیدن نقش نیز متفاوت است. همان‌طور که در تصویر مشخص است؛ نقش بز در مناطق تپه‌حصار و ری، با سفال شوش که تقریباً در یک محدوده‌ی زمانی قرار دارند، از نظر طراحی

(پرهام، ۱۳۷۱، ۵). در مورد نقش لکلک‌ها نیز باید گفت: "گرد آمدن همه این نقش‌های رمزی باران، و خصوصاً صف بی‌پایان درناها و لکلک‌ها [که گردن آنها چنان تا بی‌نهایت امتداد یافته] که به راستی سر بر آسمان می‌سایند و سر و گردن آنها چنان ساده شده که به نگاه نخستین نمی‌توان سر و گردن پرندگان را تشخیص داد و نخستین القاء، همان رگبار متصل و مدام باران است و دیگر هیچ‌[ا]، این ظرف سفالین را سندی کامل و بی‌همتا ساخته است از باورها و آیین‌های دینی-جادویی، که تحقق و به جا آوردن آنها غایت هنر بی‌همتای سفالگران ایران پیش از تاریخ بوده است" (همان، ۱۳۷۱، ۷، ۸).

در اینجا نیز نمونه‌های تصویری از نقش پرندگان در سفالینه‌های هم‌عصر با سفال شوش در ایران را به نظاره می‌نشینیم.

جلوه‌های پرندگان در هنر ایران باستان بار دیگر خبر از ارتباط عمیق هنرمندان با طبیعت می‌دهد. گیرشمن کهن‌ترین نقوش پرندگان بر روی سفالینه‌های ایران باستان را متعلق به نخستین سده‌های هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد می‌داند (گیرشمن، ۱۳۸۲، ۵). بررسی علل نقش پرندگان در سفالینه‌های شوش به‌طور عام و آبخوری‌های آن به‌طور خاص را می‌توان به دو موضوع عمده محدود نمود: نخست رابطه‌ی پرندگان با آب و به‌دبیال آن برکت و دوم رمزآمیز بودن آسمان به عنوان جایگاه خدایان و به‌دبیال آن آرزوی عروج و تفکر پرواز. از همین‌رو پرندگان پیش از نزد مردم عهد باستان مقدس می‌گردند. "تسلیسل نقش پرندگان می‌تواند نشانه دعا و حاجت‌خواهی برای آمدن باران باشد، چون تکرار یک کلام یا یک تصویر یا یک آوا، از زمان‌های دور، از ارکان اصلی جادو و مناسک طلب حاجت در قالب سحر نمایشی بوده است."



تصویر ۱۵- نقش پرندگان به رنگ سیاه در زمینه‌ی نخودی
مایل به سیاه، شوش، ۳۵۰۰-۳۸۰۰ ق.م.
ماخذ: (رُفیعی، ۱۳۷۷)



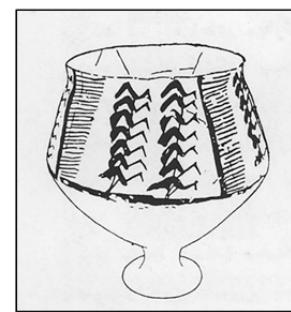
تصویر ۱۶- نقش پرندگان به رنگ سیاه روی زمینه‌ی نخودی مایل به سبز، شوش، ۳۵۰۰-۳۸۰۰ ق.م.
ماخذ: (همان، ۱۹۱)



تصویر ۱۷- نقش پرندگان به رنگ سیاه روی زمینه‌ی نخودی مایل به سبز، سیلک، ۳۲۰۰-۳۵۰۰ ق.م.
ماخذ: (همان، ۱۹۶)



تصویر ۱۹- نقش کوه و پرندگان (نمادهای آب و
باران)، تپه گیان نهادن، هزاره سوم ق.م.
ماخذ: (همان، ۲۰۷)



تصویر ۱۸- زنجیره درناهای باران آور و
شانه‌های باران، سیلک، اوخر هزاره سوم ق.م.
ماخذ: (پرهام، ۹، ۱۳۷۱)

جدول ۳- بررسی نقش موجود بر روی سفالینه‌های هم دوره با سفالینه‌های شوش در ایران.

شماره تصویر	نوع نقش	محل ساخت (کشف)	زمان ساخت	محل نگهداری
۹	جانوری (بز) هندسی	چشمۀ علی (ری)	۳۸۰۰-۳۳۰۰ ق.م	موзеۀ ملی ایران
۱۰	جانوری (بز) هندسی	شوش	۳۵۰۰ ق.م	موzeۀ ملی ایران
۱۱	جانوری (بز)	تپه حصار	۳۵۰۰ ق.م	موzeۀ ملی ایران
۱۲	جانوری (بز)	اسماعیل آباد قزوین	هزاره چهارم ق.م	-
۱۳	جانوری (بز) هندسی	تخت جمشید	هزاره چهارم ق.م	-
۱۴	جانوری (بز) هندسی (چلیا)	شوش	نیمه دوم هزاره چهارم ق.م	-
۱۵	جانوری (پرندۀ)	شوش	۳۵۰۰ ق.م	-
۱۶	جانوری (پرندۀ)	شوش	۳۸۰۰-۳۵۰۰ ق.م	-
۱۷	جانوری (پرندۀ)	سیلک	۳۵۰۰-۳۲۰۰ ق.م	-
۱۸	جانوری (درنا) هندسی (شانه)	سیلک	اواخر هزاره سوم ق.م	-
۱۹	جانوری (پرندۀ) هندسی (کوه)	تپه گیان نهادوند	هزاره سوم ق.م	-

جام یعنی فرم دایره و مربع نیز صدق می‌کند، چرا که دایره با تمام بی‌کرانگی اش نمود و جلوه‌ای از آسمان است که زمین را در بر گرفته و باران پاک را برابر ارزانی می‌دارد. توجه به آسمان از تمایل فطری انسان به موطن اصلی منجر به خلق گندب در مامن زمینی اش بی‌ارتباط با این موضوع نیست. "هیات گندب می‌توانسته است زاده‌ی تمایل فطری انسان به ماوا گزیدن در داخل محوطه‌ای زهدان مانند بوده باشد: خواه گورتپه‌ای که او را به مادر زمین ملحق سازد و خواه گندب خوابیده‌ی آسمان که چون نمودگار جهانی خوش خیم او را در حمایت مادرانه‌ی خود گیرد" (فلمن، ۱۳۷۸، ۱۷۲).

توانایی هنرمند شوش در نمایش خاصیت رویش سلولی در پس فرم‌های تیز مثلث در بدن بز با آثار هنرمندانی چون ژان آرب و هنری مور قابل مقایسه می‌باشد.

ب) نظام عقلانی

در سفالینه‌های عناصر در صفحه بر اساس یک منطق ریاضی استوار است. در بین خطوط و کادر بندی‌ها، نقشی به کار رفته که در عین تحرک پذیری، تغییر را به همراه دارد و پویا به نظر می‌رسند و در کل اثر ترکیبی پایا و منطبق با کل ترکیب بندی به وجود آورده‌اند. به عبارت دیگر هنرمند صنعتگر شوش نقش سفالینه‌ها را بر اساس عقل و منطق ترکیب نموده است. فلمن نظام صوری را چون اشتیاقی به دستیابی بر حکومت دنیوی عقل و منطق مد نظر قرار می‌دهد (همان، ۱۳۷۸، ۱۶۴). البته همان طور که ذکر شد وجود چنین ترکیب بندی‌های پایا و برخوردار از نظام صوری را باید انعکاس نظم حاکم بر جامعه‌ی شوش در ۳۵۰۰ سال ق.م. دانست. جامعه‌ای که از جهان بینی اساطیری برخوردار است، نوعی نظم و آرامش را برقرار می‌کند

در این بخش نظام‌های گوناگون موجود در سفالینه‌های شوش بررسی می‌گردد:

الف) نظام صوری

آنچه بر اهمیت نقش در سفالینه‌های شوش می‌افزاید؛ پیروی این نقش از یک شیوه و نظام صوری خاص می‌باشد. ضمن این که سفالینه‌های شوش بسترهای مناسب برای بیان درونی ترین عاطف و یا آرمان‌ها و اندیشه‌هایی کاملاً منحصر به فرد را برای هنرمند صنعتگر مهیا می‌سازد، اما آنچه این دست ساخته‌های بشری را به آثار هنری ارزشمندی مبدل می‌سازد، نحوی آرایش و استفاده از ترکیب بندی‌های استوار و برقراری روابط عقلانی ونظم بین عناصر تشکیل‌دهنده این سفالینه‌هاست.

ویژگی خاص شیوه‌ی نظام صوری بر استفاده از شکل‌های پایا می‌باشد. چرا که اصل و اساس این شیوه بر پایداری و استواری بنا شده و برای خلق یک اثر هنری که منطبق با شیوه‌ی نظام صوری است، باید اندازه‌ها و اشکال درست انتخاب شوند و تناسبات و هماهنگی در بین اجزای اثر برقرار گردد.

در طول تاریخ، هنرمندان عنایت و توجه خاصی به اشکال اندامی موجودات زنده داشته‌اند. قسمتی از نقش به کار رفته در جام شوش نیز برگرفته از عناصر موجود در طبیعت هستند که خاصیت زایش و رویش از مهم‌ترین ویژگی‌های آنهاست. هنرمند شوش کمال صوری را در گزینش و به تصویر کشیدن شکل‌های حیاتی و روینده به نمایش درآورده و موجوداتی را انتخاب کرده که نقش به سزایی در چرخه‌ی حیات دارند. در جام شوش شکل‌های انداموار در قالب هندسی و در کمال ریاضی گونگی تجسم یافته‌اند و شکل‌های ساده، ساختاری شکوهمند که الفاگر نیروهای فعل زایش و رویش هستند را به منصه‌ی ظهور می‌رسانند. این انتخاب حتی در هندسی ترین فرم‌های موجود در

قريحه‌ی خویش انواع پیام بصری را به نحوی سازماندهی کرده است که در نهایت زیبایی، لذت‌بخشی در کل اثر موج می‌زند. شکل، فرم، تناسبات و اندازه‌های دارکل اثر به بهترین حالت سامان یافته‌اند. تصویرگر نقوش سفال قصد ندارد آسمان، زمین و حیوانات واقعی را به نمایش درآورد. "نظام زیبایی‌شناختی کمتر تابع تقليد عینی از واقعیت است، بلکه بستگی مستقيمه با احساسات لذت‌يادر که خوشی دارد" (همان). او همچون هنرمندان بزرگ و حرفه‌ای لذت حاصل از فرم و شکل و خط را به مخاطب انتقال می‌دهد و با تاكيد بر بازی فرم، تناسبات و حتی روابط فضای مثبت و منفی، نوعی لذت و حظ بصری در بیننده ايجاد می‌کند.

انتخاب صحیح فرم مطابق با اندام حیوانات از دیگر خصوصیاتی است که زیبایی خاصی به آبخوری‌ها بخشیده است. فرم مثلث برای نمایش صلابت و قدرت در بزو استفاده از خطوط باریک و موazu برای بیان تجمع پرنده‌گان در زیردهانه‌ی جام شوش که خبر از آب گوارا و توشیدن آن می‌دهد، همچنین فرم منحنی که در بدن حیواناتی شبیه روباه هست و در جایی آن‌ها را سگهای قلاوه به گردان دانسته‌اند؛ خیزش و حرکت خاصی را به سمت پرنده‌گان به مخاطب القا کرده و اصل تنازع بقا را گوشزد می‌کند.

که در هنر دوران نیز تاثیر آن را می‌توان مشاهده نمود. نقوش جام شوش سایه‌ای از زیبایی حقیقی است نه تقليدی از ظواهر طبیعت. هنرمند شوش به اين مساله آگاه بوده است که رياضيات و هندسه را باید به عنوان مقدمه‌ای برای دست‌يابي به اندازه‌ها، تناسبات و هماهنگی ميان آنها بشناسد.

كل نقوشی که در جام شوش به کار رفته‌اند، از يك نظام عقلاني پيروی می‌کنند. به عبارت دیگر هنرمند نقوش را بر اساس شيوه‌ها و فعل و انفعالات عقلاني در سطح جام، ترکيب نموده است. تقسيم‌بندی سطح جام و چيدمان دقیق فرم‌ها بر اساس شکل ظرف و روابط بین سواد و بياض در كل جام نمی‌تواند به صورت تصادفي و احساسی و تخيلي شکل گرفته باشد. بنابراین نظامی را که به تجربه‌ی بصری درآمده است باید در عقل و منطق هنرمند آن جستجو نمود. هنرمند صنعتگر شوش با گزینش شکل‌های هندسى همچون مثلث و دائرة و مربع آن‌چه را که در ذهن دارد به نمایش درمی‌آورد اما نحوه‌ی ترکيب آن‌ها و سازماندهی عناصر در روی ظرف شيوه‌ای خاص را بنيان می‌نهد.

ج) نظام زیبایی‌شناختی

جام شوش دارای اعتباری ذاتی است چرا که اصولاً هنر، معنای درون ذاتی دارد. اما هنرمند شوش نیز با به کارگیری ذوق و

نتیجه

سفالينه‌ی هند هم نقش حيواني بدون توجه به فرم ظرف به کار رفته است در حالی که در آبخوری‌های شوش، نقوش در کتibile‌هایی قرار گرفته و به کامل ترین نوع خود نظم یافته‌اند. به طوری که در جام شوش سه کتibile متناسب با نقش‌هادر نظر گرفته شده و نقش بز در اصلی‌ترین قسمت به کار رفته در حالی که ارتباط منطقی اجزا چه از نظر رياضي و هندسي و چه از نظر بصری رعایت شده و با ايجاد تعادل، هيأت سفالينه منسجم و ايستا گردیده است. ضمن اينکه نقوش، متناسب با کارکرد ظرف که جام توشیدنی‌هاست نيز می‌باشند.

همزمان با بررسی نقوش موجود بر آبخوری‌های شوش که شامل: نقوش هندسى، گيهى و حيواني می‌شوند؛ نقش بز - که اصلی‌ترین نقش جام شوش است- نيز به طور تطبيقی در سفالينه‌های سایر مناطق ايران که هم عصر با شوش بودند، مورد مطالعه قرار گرفت. با وجود عناصر و ويژگی‌های مشترک که معرف هنر ايران هستند، هر قوم و قبيله‌اي متناسب با بانيازها و فرهنگ‌های خاص خود بیان ويژه‌ای برمى‌گزیند؛ با اين وجود مشاهده شد که در هیچ منطقه‌ای از ايران نقش حيوانات با چنان مهارتی که در شوش دیده می‌شود، ترسیم نشده است.

انسان از ديرباز احساس قرابت و نزديکي با خاک داشت و پس از پي بردن به خاصيت همراهی خاک، آب و آتش به كشف سفال نايل شد. سفال ابتدا فقط كاريبد عملي داشت که در طي زمان كاريبد تزييني نيز به آن افزونده شد که در اين تحول، ايرانيان نقش عده و بسزايی داشتند و در هزاره چهارم قبل از ميلاد، سفالينه‌های در تمدن شوش ساخته شد که تلقيق اين دو كاريبد بوده و تمدن شوش را شهره‌ی آفاق‌كرده است. اين مقاله در پي يافتن عل شهرت اين جام بوده و به اين نتایج دست‌پیدا کرده است:

■ از بررسی اندازه‌ها و به دست آوردن تناسبات موجود ميان اجزای آبخوری‌های شوش، اعدادي بين ۱/۷ تا ۱/۹ به دست آمد که بسيار به عدد طلائي يعني ۱/۶ نزديک است و نشان مي‌دهد در جايی که جهانيان بيش از دو هزار سال است که جستارهایي در جهت برقرار ساختن قوانين تناسب كامل به عمل آورده‌اند تا به نسبت طلائي دست‌يابند، هنرمند شوش نسبت‌های نزديک به آن را در آثار خود، عملاً به کار گرفته است.

■ از بررسی تطبيقی جام شوش با آثار سفالی تمدن‌های هم دوره‌ی آن مانند مصر و هند، اين نكته هويدا شد که در يك مورد برای تقسيم‌بندی نقش زمينه، کتibile در نظر گرفته شده و در اثر دیگری نقوش حيواني و هندسي با هم به کار رفته‌اند و در

پرندگان در آسمان دیده شود. کشیدن نقش دسته‌های پرنده، تجسم ابر است و آرزوی باران را در سرزمین خشک شوش بیان می‌کند. ارتباط پرنده با آب هم بیان رمز آمیز آسمان و ارزانی داشتن برکت است و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد تا ارتباط تنگاتنگ و زیبای نقوش با یکدیگر را بیان کند و متذکر شود که این جام، علاوه بر اینکه جام نوشیدنی هاست، می‌تواند طلس باران خواهی و نمادی از برکت خواستن هم باشد.

■ نقوش به کار رفته در جام شوش علاوه بر زیبایی ظاهری، نمادین نیز هستند و با یکدیگر مرتبط‌اند. مرربع و دایره مبین همراهی زمین و آسمان برای رویش و زایش‌اند تا برکت نصیب انسان شود. همان چیزی که همرا با قداست، از خوشه‌ی گندم که نماد روییدنی هاست، انتظار می‌رود. انسان عهد باستان اهل شوش، حرکت سیارات را که نقش به سزاگی در نزول باران دارند از طریق حرکت حیواناتی همچون تازی به نمایش در می‌آورد. شاخ بز هم که مانند هلال ماه است، واسطه‌ای برای بارش باران از آسمان به زمین می‌شود. زیرا بارش باران در فصلی رخ می‌دهد که صورت فلکی بز و

فهرست منابع

- آیت‌الله، حبیب‌الله (۱۳۸۸)، مبانی نظری هنرهای تجسمی، انتشارات سمت، تهران.
- اتینگهاوزن، ریچارد و احسان یار شاطر (۱۳۷۹)، اوج‌های درخشان هنر ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- برزین، پروین (۱۳۵۶)، مفاهیم نقوش بر سفال دوران پیش از تاریخ، نشریه‌ی هنر و مردم، دوره ۱۶، ش ۱۸۴ و ۱۸۵.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۲)، نسبت عناصر اربعه با مربع و تأثیرات آن در هنر و معماری، هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر، تهران.
- پرهاشم، سیروس (۱۳۷۱)، دستبافت‌های عشاپری و روستایی فارس، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- پرداد، ایدت (۱۳۸۳)، هنر ایران باستان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- پوپ، آرتور اپهام، با همکاری فیلیپس آکمن و اریک شرودر (۱۳۸۰)، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش: پروین ناتل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴)، نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران، فصل نامه هنر، ش ۲۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۳۶۴-۳۶۵.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۸۵)، آشنایی با هنر در تاریخ ۲، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- رحمی‌رهیان، محمدعلی (۱۳۸۳)، ریشه‌های نمایش در هنر ایران باستان، نشر اهورا، تهران.
- رفیعی، لیلا (۱۳۷۸)، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، انتشارات یساولی، تهران.
- شاکری راد، حسین (۱۳۸۲)، طبیعت سرمشق گم شده هنرمندان، هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۷۴)، صور کواکب، به کوشش بهروز مشیری، انتشارات ققنوس، تهران.
- فلدمدن، ادموند بورک (۱۳۷۸)، تنوع تجارت تجسمی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات سروش، تهران.
- فریه، ردبليو (۱۳۷۴)، درباره هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزان روز، تهران.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۸۰)، آثار تاریخی ایران، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- کوپر، جی‌سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرهاد، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۲)، فرهنگ‌های هنری ایران، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۰)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، نظر منفکران اسلامی درباره طبیعت، انتشارات خوارزمی، تهران.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸)، انسان و سمبلولوژی، ترجمه محمود سلطانیه، انتشارات جامی، تهران.